



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

اعتبار حریم خصوصی در معاملات تجاری از دیدگاه فقه اسلامی

تقی شکری^۱، محمد حسینی^{۲*}، حسن فلاح^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.
۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.
۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: موضوع اعتبار و احترام حریم خصوصی در معاملات تجاری از دیدگاه فقه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا حریم خصوصی نه تنها یک اصل اخلاقی بلکه یکی از ارکان اساسی عدالت و انصاف در تجارت به شمار می‌رود. فقه اسلامی همواره بر حفظ آبرو و حقوق دیگران تأکید داشته و در زمینه معاملات، رعایت حریم خصوصی افراد به عنوان یک مسئولیت دینی و اجتماعی مطرح است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های حریم خصوصی از دیدگاه اسلام در فقه، با تأکیدی بر اعتبار و احترام حریم خصوصی در معاملات تجاری به انجام رسیده است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: قوانین و مقررات قابل وضع در ایران باید با رویکرد اسلامی و با حدود نظارت غیر قهرآمیز و غیر سرکوب‌گرایانه قوه حاکمه همراه با ضمانت اجرای متناسب با آن تصویب گردد.

نتیجه: حکم حریم در نظریه جدید و نظریه مشهور فرق می‌کند. به‌طور کلی، تفاسیر مربوط به حکم تکلیفی و حکم وضعی حریم با استناد به قاعده لاضرر، مشکلات کمتری دارند، در حالی که بر اساس نظریه مشهور، تنها حکم تکلیفی حریم قابل توجیه است. به این معنا که در صورت تجاوز شخصی به حریم دیگری، بر اساس نظریه مشهور، او تنها مرتکب عمل حرامی می‌شود؛ اما طبق نظریه دیگر، علاوه بر این، شخص متجاوز باید خسارات وارده را نیز جبران کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۳-۱۴۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

حریم خصوصی، فقه، اعتبار، معاملات.

نویسنده مسئول:

محمد حسینی

آدرس پستی:

ایران، بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد ارکید:

0009-0001-8501-9872

تلفن:

09113151939

پست الکترونیک:

hoseini.mohammad22@yahoo.com

۱. مقدمه

مسئله حریم به عنوان یکی از موضوعات جدید و متحول در فقه و حقوق، به‌ویژه در زمینه معاملات و فرهنگ، با پیشینه‌ای طولانی و کاربردهای وسیع، اهمیت خاصی پیدا کرده است. در گذشته، حریم تنها به حریم املاک محدود می‌شد و فقه و روایات به تبیین مصادیق و اندازه‌های خاصی پرداخته‌اند. با تغییر و تحول در سبک زندگی بشر، کارآمدی حدود سنتی در زمینه املاک و اندازه‌های تعریف‌شده کاهش یافته است. قوانین و مقررات مختلف در بخش‌های اجرایی کشور، به جز قانون مدنی، به‌طور قابل توجهی از حدود حریم سنتی فراتر رفته‌اند. حتی قانون مدنی، که به‌طور سنتی پیرو نظرات مشهور فقها بود، توسط بسیاری از حقوق‌دانان به نبود کارآمدی و نقص متهم شده است.

در جامعه‌ای که مدیریت امور آن بر مبنای مصلحت شکل گرفته است، به این معنا که مصوبات مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع می‌شود و آنجا تعیین می‌کند که آیا مصلحت وجود دارد یا خیر. شورای نگهبان این پدیده‌ها را از دو منظر بررسی می‌کند: یکی از دریچه قانون اساسی که در واقع مبتنی بر فقه شیعه است و دیگری مصلحت. وقتی به مصلحت نگاه می‌کنیم، ممکن است وضعیت‌ها به هم بریزد. مصلحت واژه‌ای با بار معنایی شدیداً تأویلی است؛ بنابراین، امروز ممکن است مصلحت اقتضا کند که ارتباطات محدود شود و فردا ممکن است مصلحت چیز دیگری را ایجاب کند. از این‌رو، در به کارگیری مصلحت دچار مشکل نمی‌شویم و مصلحت به عنوان یک ارزش در نظام کنونی جامعه ایران شناخته می‌شود.

از سوی دیگر، شرایط خاصی که از سال ۱۳۵۷ تا کنون پیش آمده، باعث شده است که ایران از نظر

جهانی، به جوامعی منحصر به فرد تبدیل شود. در خصوص آزادی اطلاعات، سؤال اصلی این است که آیا این آزادی واقعاً ارزشی ذاتی دارد؟ از این منظر، بحث‌های زیادی مطرح شده است؛ عده‌ای بر این باورند که دانستن خود به خود هیچ ارزشی ندارد و اطلاعات، تنها به عنوان مقدمه‌ای برای ارزش‌های دیگر محسوب می‌شوند. به این ترتیب، آزادی مطلق اطلاعات در خود ارزش مطلق ندارد و بستگی به شیوه استفاده از آن اطلاعات دارد. ممکن است برخی اطلاعات، به لحاظ اخلاقی، با ارزش‌های دیگر در تعارض باشند. اما نکته مهمی که جنبه حقوقی و قانونی دارد، تقابل آزادی اطلاعات با حریم خصوصی است، زیرا اطلاعات به عنوان ابزاری کلیدی برای کنترل محسوب می‌شوند. به طور کلی، هر فرد به عنوان موجودی اجتماعی، تمایل دارد که به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی، دیگران را به خدمت بگیرد و مهم‌ترین عنصر در این استخدام اطلاعات است. از طرف دیگر، هر فرد همچنین خواستار داشتن حریم خصوصی است. افراد دوست دارند که اطلاعاتی که در اختیار دارند، خاص خودشان بماند تا کنترل بیشتری بر دیگران داشته باشند، اما در عین حال نمی‌خواهند اطلاعات شخصی‌شان که ابزار کنترل آنان است، در دسترس دیگران قرار گیرد.

یکی از وظایف مهم اخلاقی این است که تعادلی میان این دو تمایل، یعنی آزادی اطلاعات و حریم خصوصی، ایجاد کند. اما لازم به ذکر است که اخلاق صرفاً از طریق جنبه‌های حقوقی تأمین نمی‌شود. به این معنی که در زندگی اجتماعی نیز حقوق فقط ضمانت اجرای برخی ارزش‌ها هستند و نمی‌توان برای همه هنجارها ضمانت‌های اجرا از خارج و از سوی حکومت تعریف کرد.

۵. بحث

مباحث متفرع در راستای موضوع این تحقیق، به شرح ذیل مطرح می‌گردد.

۵-۱. مصادیق حریم

در منابع فقهی، مصادیق محدودی برای حریم تعریف شده است، در حالی که در متون حقوقی، با استناد به قوانین جاری، موارد بیشتری به آنها اضافه شده است. بنابراین، می‌توان مصادیق حریم را به دو دسته با پیشینه فقهی و بدون پیشینه فقهی تقسیم کرد:

الف. مصادیق حریم با سابقه فقهی:

۱- حریم چشمه: در زمین سست هزار ذراع و در زمین سخت پانصد ذراع.

۲- حریم چاه: چاه آب کشی زراعی، شصت زراع و چاه آبشخور شتر چهل زراع.

۳- حریم نهر: حریم نهر به فضایی اطلاق می‌شود که در دو طرف نهر به منظور انباشت گل و لای ضروری است و برخی اندازه آن را از هر طرف به مقدار نصف عرض نهر تعیین نموده‌اند.

۴- حریم درخت؛ به مقداری که ریشه‌ها و شاخه‌ها در آخرین حد رشد به آن دسترسی دارند و همچنین فضای رفت و آمد مالک.

۵- حریم خانه؛ حریم خانه به زمین‌های اطراف منزل اشاره دارد که برای استفاده کامل از خانه ضروری بوده و شامل مسیرهای رفت و آمد، آب و دفع فضلاب می‌شود (نجفی، ۱۳۶۲، ۳۸، ۳۴).

ب. مصادیق حریم بدون سابقه فقهی:

۱- حریم خطوط انتقال و توزیع نیروی برق، مصوب سال ۱۳۴۶

۲- حریم لوله نفت و گاز، مصوب سال ۱۳۴۷

۳- حریم فرودگاه و راه آهن

۴- حریم آثار تاریخی و بناهای تاریخی

پس از ذکر موارد حریم، دو سوال مطرح می‌شود:

تحقیق حاضر بدنبال پاسخگویی به این سؤال است که چگونه اصول فقه اسلامی در حفظ حریم خصوصی افراد بر معاملات تجاری تأثیر می‌گذارد و چه معیارهایی برای ارزیابی احترام به این حریم در معاملات تجاری وجود دارد؟ فرضیه این تحقیق مبنی بر این است که احترام به حریم خصوصی در فقه اسلامی، به عنوان یک اصل اخلاقی و قانونی، می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در تنظیم معاملات تجاری محسوب شود و حق بر حریم خصوصی، نفی تجسس، احترام به اسرار تجاری، وفای به عهد و امانت داری، عدالت و انصاف و ممنوعیت ربا و ظلم در معاملات، از جمله معیارهای ارزیابی احترام به حریم خصوصی در معاملات تجاری برشمرده می‌شوند.

نظر به مطالب یاد شده، تحقیق حاضر با عنوان «ویژگی‌های حریم خصوصی از دیدگاه فقه اسلامی، با تأکیدی بر اعتبار و احترام حریم خصوصی متناسب با تحولات ناشی از فناوری» به مطالعه و بررسی می‌پردازد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله چون توصیفی تحلیلی است و در آن از روش پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده نشده، لذا برای جمع‌آوری داده از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

قوانین و مقررات قابل وضع در ایران باید با رویکرد اسلامی و با حدود نظارت غیر قهرآمیز و غیر سرکوب‌گرایانه قوه حاکمه همراه با ضمانت اجرای متناسب با آن تصویب گردد.

زمان و مکانی ممکن است این اندازه‌ها تغییر یابند. آن‌ها تغییر اندازه‌ها را با شرع و احکام در تضاد نمی‌دانند.

اختلاف نظر بین این دو گروه از فقیهان به تفاوت مبانی آن‌ها در مفهوم حریم برمی‌گردد، زیرا یک گروه روایات را مبنای حریم دانسته و گروه دیگر آن را در راستای دفع ضرر تفسیر می‌کنند.

۲-۵. نظر فقها در مورد حریم خصوصی

۵-۲-۱. نظر فقهای شیعی معاصر

آیت‌الله موسوی اردبیلی تصریح کرده‌اند که تجسس و تفتیش در حریم خصوصی افراد و انتشار نتایج آن مجاز نیست، مگر با حکم قاضی واجد شرایط شرعی و با تأکید بر ارتباط با جرم و رعایت احتیاط در حکم و ویژگی‌های آن و همچنین در مراحل اجرا به نحوی که بدون دلیل اسرار مردم فاش نشود و آبروی آنها حفظ گردد (موسوی اردبیلی، ۱۳۹۰، ۲، ۱۲۵).

آیت‌الله نوری همدانی در پاسخ به این مسئله بیان کردند: ۱- در این وضعیت، تجسس جایز نیست، مگر در مواردی که بنا به مقررات حکومت اسلامی ضروری باشد. ۲- به‌طور کلی این عمل مجاز نیست. ۳- باید بر اساس قوانین حکومت اسلامی عمل شود (نوری همدانی، ۱۳۹۵، ۱، ۳۲۰).

به عقیده آیت‌الله صافی گلپایگانی، تجسس کردن در امور شخصی اشخاص و انتشار آن بدون رضایت، از نظر شرعی مجاز نیست، مگر اینکه موضوع اهمیت زیادی داشته باشد که تجسس ضرورت یابد و آن اهمیت، نسبت به حرمت تجسس بیشتر باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ۲، ۲۱۵).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز تأکید کردند که هیچ‌یک از سه حالت فوق مجاز نیست. آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز متذکر شدند که این عمل مجاز نیست. آیت‌الله بهجت چنین نظری را ابراز کردند: ۱-

سوال اول: آیا واقعاً می‌توان مصادیق جدید حریم که سابقه فقهی ندارند را به عنوان حریم محسوب کرد و آیا تعریف حریم آن‌ها را شامل می‌شود؟ حال باید پرسید که آیا این حریم‌ها، که نیازهای زندگی و تحولات اجتماعی را تأمین می‌کنند، از منظر شرعی مشروعیت دارند؟ به عبارت دیگر، آیا مفاهیم حریم بر این مصادیق، واقعی است یا فقط به صورت مجازی قابل توجیه است؟ آیا می‌توان مشروعیت این موارد را در قالب نهاد حقوقی حریم تبیین کرد یا لازم است به نهادهای حقوقی دیگر نیز مراجعه کرد؟

سوال دوم: در خصوص سنتی حریم، اندازه‌های

مشخص در روایات و متون فقهی وجود دارد. آیا این اندازه‌ها با توجه به تغییرات زندگی از زمان صدور روایات حریم و نظرات فقهای پیشین تا امروز که عصر صنعت و ماشین است، تغییر یافته‌اند؟

در پاسخ به این دو سوال، نظرات متفاوتی وجود دارد. در خصوص سوال دوم، فقها به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی بر این اعتقادند که اندازه‌های تعیین‌شده در روایات دارای اعتبار و تغییر ناپذیرند، زیرا این روایات تعیین اندازه‌های قطعی برای حریم را مطرح می‌کنند و ما باید به چنین روایاتی پایبند باشیم. چون دلالت این روایات نصی است، هرگونه توجیه و تفسیر برای تغییر مقادیر اجتهادی، در این بین، نظرات فقیهان در تضاد با نصوص به اعتبار این احکام می‌پردازند، به‌ویژه برخی از فقهای معاصر که نظر مشهور را قبول کرده‌اند و تغییر اندازه‌ها را با استناد به عناوین ثانوی مانند ضرورت و عسر و حرج توجیه می‌کنند. در مقابل، گروهی از فقهای معاصر و همچنین برخی از قدام بر این عقیده‌اند که این اندازه‌ها صرفاً جنبه تمثیلی دارند و در زمان خود برای رفع نیاز و جلوگیری از ضرر کافی به‌نظر می‌رسیدند و با تغییر

نشوید مگر اینکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید. و اگر کسی را در آن نیافتید، پس به داخل آن نروید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد که برگردید، برگردید که این برای شما شایسته‌تر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست.»

مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۲۷ اینگونه توضیح می‌دهد که ممکن است فرد با گفتن «یا الله» یا با صدای بلند صاحب خانه را مطلع کند که فردی خواهان ورود است زیرا ممکن است صاحب‌خانه در وضعیتی باشد که نخواهد کسی او را ببیند یا از حضور فردی مطلع شود (طباطبائی، ۱۳۹۳، ۱۲، ۱۲۰).

قرآن در جایی دیگر نیز می‌فرماید: «و به خانه‌ها از درهای آن‌ها وارد شوید.» با وجود صراحت این آیات در منع ورود غیرمجاز به منازل و مسکن افراد، احادیث و روایات متعددی وجود دارد که ورود به خانه‌ها بدون اجازه را منع کرده است. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تاریخی که بر حرمت ورود بدون اجازه به خانه‌های مردم دلالت دارد، برخورد پیامبر اسلام با سمره بن جندب است.

سمره بن جندب در منزلی که یکی از انصار داشت، درخت نخی داشت و هر بار بدون اجازه صاحب‌خانه به سرکشی به آن درخت می‌رفت. صاحب‌خانه بارها به او اعتراض کرد، اما نتیجه‌ای نگرفت و در نهایت به پیامبر (ص) مراجعه کرد. پیامبر ابتدا از سمره خواست که بدون اجازه به خانه آن مرد انصاری وارد نشود، اما سمره این درخواست را نپذیرفت. پیامبر به او پیشنهاد کرد که از درخت خود صرف‌نظر کند، و درخت دیگری یا حتی تعدادی درخت بیشتر در محلی دیگر بگیرد، اما سمره این پیشنهاد را نیز نپذیرفت. در نهایت، پیامبر فرمودند که اگر از

به‌طور اولیه، این عمل جایز نیست. ۲- در این خصوص واضح است. ۳- این مورد مشابه موارد قبلی است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ۲۷، ۱۴۵).

آیت‌الله مظاهری نیز در این رابطه اظهار داشتند: ۱- تجسس و تفتیش در امور دیگران از گناهان بزرگ در اسلام به شمار می‌آید. ۲- انتشار هرگونه مطلبی که به حریم خصوصی افراد مربوط می‌شود، به هر شکلی حرام است و گناه آن بسیار بزرگ است. ۳- در این موارد فرقی نمی‌کند، اما آنچه مسلم است، چنین عملی قطعاً نیاز به اجازه قاضی یا مسئولان ذی‌ربط دارد (مظاهری، ۱۳۹۷، ۲، ۴۵۶).

با توجه به نظرات فقهی مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که ورود به حریم خصوصی افراد بدون اجازه آنان از نظر شرعی حرام است. این حکم کلی شامل استثنائاتی می‌شود که برخی از فقها به ذکر آنها پرداخته‌اند در غیر موارد استثنا، حریم خصوصی افراد به عنوان یکی از حقوق مهم محترم شمرده می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۹۷، ۳۵).

و تعرض به آن گناه محسوب می‌گردد. شریعت مقدس اسلام به ایجاد آرامش و امنیت در زندگی و امور داخلی مردم اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. بر اساس آیات قرآن و سنت اسلامی، ورود به منازل افراد فقط با جلب رضایت صاحب‌خانه و معرفی خود مجاز است. بدین معنا که هنگام ورود به یک منزل، لازم است که فرد خود را معرفی کند تا صاحب‌خانه بتواند او را بشناسد و اگر تمایل دارد، در را برای او بگشاید؛ و همچنین پیش‌از ورود، باید رضایت صاحب منزل جلب شود. این دو شرط برای تفتیش و بازرسی منازل افراد مهم هستند (جوانبخت، ۱۳۹۸، ۱، ۲۱۲).

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: «ای اهل ایمان، به خانه‌هایی که متعلق به شما نیست، وارد

۵-۲-۲. نظر فقهای اهل سنت

امامیه، حنفیه، حنبلیه، شافعیه و ظاهریه، ورود کسی به منزل دیگری بدون اجازه را جایز نمی‌دانند و دفع چنین فردی را مجاز می‌شمارند. با استناد به آیات قرآن و روایات موجود، نه تنها دفع تجاوزکنندگان به حریم خصوصی و منازل افراد مجاز است، بلکه در صورتی که دفاع از منزل به قتل آنان منجر شود، این اقدام مباح و مشروع است. فقهای امامیه بر این باورند که اگر کسی به خانه‌ای وارد شود و صاحب‌خانه از ورود او جلوگیری کند اما متجاوز خارج نشود، و دفاع باعث مرگ او یا آسیب به اعضای بدنش شود، در صورتی که مدافع شرایط دفاع مشروع را رعایت کرده باشد، مسئولیتی متوجه او نخواهد بود. (اسعدی، ۱۳۹۸، ۶۶).

فقهای حنفی، حنبلی، شافعی و ظاهری نیز معتقدند که منزل مسلمان از تعرض متجاوزان در امان است و در صورتی که به منزل شخصی تعرض شود، او می‌تواند با توجه به شرایط و وضعیت، از خود دفاع کند و حتی متجاوز را نابود سازد (نجاری، ۱۳۹۵، ۳، ۱۷۸).

ابن جوزی در تفسیر آیه ۱۲ سوره حجرات اشاره می‌کند که ظن به چهار دسته تقسیم می‌شود: محذور، مأمور به، مباح و مندوب الیه. ظن محذور به معنای سوءظن به خداوند متعال است، چون داشتن حسن ظن به خداوند واجب می‌باشد. همچنین سوءظن نسبت به مسلمانانی که ظاهری عادلانه دارند نیز از همین قبیل است. ظن مأمور به، به معنای ظن به چیزی است بدون آن که دلیلی برای یقین به آن وجود داشته باشد. در این موارد، عمل به ظن غالب و اکتفا به آن به جای علم مجاز است. پذیرش شهادت، تعدیل و ارزیابی خسارات ناشی از جنایات نیز بر اساس همین نوع ظن انجام می‌گیرد. ظن مباح به معنای ظن پس از نماز است

درخت خود صرف‌نظر کند... در آخرت نخل‌های دیگری به او داده خواهد شد، ولی او همچنان امتناع کرد. در این حال، پیامبر به مرد انصاری دستور دادند که درخت نخل را از ریشه بکند و به جلوی سمره بیندازد و فرمود: «لاضرر و لاضرار فی الاسلام».

نیز، نویسنده کتاب «کنز العمال» داستان جالبی از فردی به نام ثور کندی نقل کرده است (متینی، ۱۳۹۰، ۵، ۴۵۰).

ثور کندی می‌گوید: در زمان زمامداری عمر بن خطاب، او یک شب برای بررسی اوضاع شهر مدینه به گشت و گذار پرداخته بود. از داخل یک خانه صدای آواز و موسیقی شنید. بدون اطلاع صاحب خانه، از دیوار بالا رفت و به او گفت: «ای دشمن خدا! آیا در حال گناه هستی و فکر می‌کنی که خداوند گناه تو را از دیگران پنهان می‌کند؟» صاحب خانه پاسخ داد: «ای امیرالمؤمنین! بر من شتاب نکن. اگر من یک گناه کرده‌ام، تو سه گناه مرتکب شده‌ای: نخست اینکه خداوند فرموده است: «لاتجسسوا»، یعنی به او می‌گویند که: «تجسس نکنید، و تو در حال تجسس هستی». دومین نکته این است که خداوند فرموده است: «واتوا البیوت من ابوابها»، به این معنا که باید از در وارد خانه‌ها شوید و نه از دیوار. سوم اینکه خداوند می‌فرماید: «لاتدخلو بیوتاً غیربیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا علی اهلها»، بدین معنا که جز به خانه خودتان وارد نشوید مگر اینکه صاحب خانه به شما اجازه دهد و در هنگام ورود بر اهل آن خانه سلام کنید. تو بدون اجازه و سلام به خانه‌ام آمده‌ای!» عمر که جوابی نداشت، گفت: «اگر من تو را ببخشم، خوب می‌شوی و توبه می‌کنی.» صاحب خانه گفت: «بله، درست است.» سپس عمر او را نادیده گرفت و از خانه‌اش خارج گردید و رفت.

به دست امین سپرده شده است و مالک خودش به نگهداری مال اجازه نداده، بلکه شارع مقدس این اجازه را به مکلف داده است، مانند مال لقطه یا مالی که از غاصب بازپس گرفته شده است.

آیه دیگری که در قرآن درباره امانت ذکر شده، به این صورت است: «و من اهل الکتاب من ان تأمنه بقنطار یوده الیک و منهم من ان تأمنه بدینار لایوده الیک الامادمت علیه قائماً ذلک بانهم قالوا لیس علینا فی الامیین سبیل و یقولون علی الله الکذب و هم یعلمون». در این آیه آمده است که بعضی از اهل کتاب، اگر اموالی با ارزش به آن‌ها بسپاری، به تو بازمی‌گردانند، ولی برخی دیگر حتی اگر یک دینار به آن‌ها بسپاری، آن را به تو نخواهند داد مگر اینکه همیشه در کنار آن‌ها باشی. این امر به این دلیل است که آن‌ها گفتند در مورد امانت، هیچ مسئولیتی بر عهده ما نیست و بر خداوند دروغ می‌بندند، حال آنکه خود نسبت به حقیقت واقفند. این آیه شریف بر اهمیت بازگرداندن امانت و نکوهش تخلف از آن تأکید دارد و بر ضرورت بازگرداندن امانت به صاحب آن تأکید می‌کند. پزشکان و وکلا نیز نسبت به اطلاعاتی که بیماران یا موکلان به آن‌ها ارائه می‌دهند، در حکم امین محسوب می‌شوند و حق ندارند این اطلاعات و اسرار را افشا کنند (اسعدی، ۱۳۹۸، ۶۷-۶۹).

خداوند متعال در آیه ۴ سوره‌ی نور فرموده است: «والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدۀ ولا تقبلوا لهم شهادة أبداً وأولئک هم الفاسقون». این بدان معناست که کسانی که زنان پاکدامن را متهم می‌کنند، اگر چهار شاهد (بر ادعای خود) نیاورند، باید هشتاد تازیانه بخورند و شهادت آن‌ها هرگز پذیرفته نخواهد شد و آن‌ها فاسق هستند.

که فرد می‌تواند بر اساس غالب‌ترین ظن خود عمل کند یا آن را نادیده بگیرد. درباره این نوع ظن، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که اگر در مورد چیزی شک و تردید دارید، بایستی تحقیق کنید، به‌ویژه در مورد ظن نسبت به برادر خود که ممکن است منجر به سوءظن شود. ظن مندوب‌الیه نیز به معنای حسن ظن داشتن به برادر دینی می‌باشد (ابن جوزی، بی تا، ۲، ۳۷۸).

ممنوعیت غیبت و نیمه در بسیاری از آیات و روایات بیان شده است، چه به زبان باشد، چه به صورت مکتوب یا با ایما و اشاره. نیمه به معنای بیان عیب یا نقصی در مورد دیگران به گونه‌ای است که موجب ناراحتی و کراهت آن‌ها شود. در بخشی از آیه ۱۲ سوره حجرات، خداوند می‌فرماید: «... ولا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضا، ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتاً فکَرَ هتموه». این بدان معناست که درباره یکدیگر کنجکاوی و جاسوسی نکنید. آیا از میان شما کسی مایل است که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ به‌طور قطع از آن بیزارید. شیخ انصاری در کتاب مکاسب، در تفسیر این آیه بیان می‌کند که خداوند مؤمنان را به عنوان برادر یکدیگر معرفی کرده و آبروی آنان را مانند گوشت تنشان قرار داده است. از این رو، از بین بردن آبروی مؤمنان از طریق غیبت و فاش کردن اسرار و عیوب پنهانی آن‌ها مانند خوردن گوشت آن‌ها است. این به این دلیل است که غیبت در مورد افرادی که غایب‌اند و نمی‌توانند از خود دفاع کنند، همانند فرض کردن آن‌ها به شکل مرده است (انصاری، ۱۴۱۰، ۲، ۲۰۰).

در مورد امانت، مفهوم مالکی آن به حالتی اشاره دارد که مالک، مال خود را به فردی دیگر برای نگهداری سپرده است، مانند ودیعه و عاریه. امانت شرعی زمانی است که مال بدون اجازه صریح مالک

شوند. افشای اسرار تجاری می‌تواند منجر به خسارت و بی‌اعتمادی در روابط تجاری شود.

د) وفای به عهد و امانت داری: یکی از اصول مهم در معاملات تجاری در اسلام، وفای به عهد و امانت داری است. این به این معناست که افراد باید به اطلاعات و وعده‌هایی که در زمینه تجارت به یکدیگر می‌دهند، احترام بگذارند و از افشای غیرمجاز آن‌ها خودداری کنند.

و) ممنوعیت غیبت و تهمت: غیبت و تهمت در اسلام به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. این نکته به ویژه در زمینه تجارت، جایی که حیثیت تجاری افراد در خطر است، اهمیت دارد.

ه) عدالت و انصاف: در معاملات تجاری، تأکید بر عدالت و انصاف نیز از اصول اسلامی است که ناظر به احترام به حقوق افراد و حریم خصوصی آن‌ها می‌باشد. این ویژگی به حفظ رابطه سالم و مبتنی بر اعتماد بین طرفین تجاری منجر می‌شود.

ی) ممنوعیت ربا و ظلم در معاملات: فقه اسلامی در مورد ربا و هرگونه ظلم در معاملات اصول روشنی دارد که حفظ حقوق افراد و حریم خصوصی آن‌ها را تضمین می‌کند.

در نهایت، ویژگی‌های حریم خصوصی در فقه اسلامی به وضوح نشان دهنده اهمیت احترام به حقوق افراد در زمینه‌های مختلف، به ویژه در معاملات تجاری است. این احترام به حریم خصوصی نه تنها به حفظ آبرو و حیثیت افراد کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک محیط تجاری سالم و پایدار نیز می‌انجامد.

۶. نتیجه

بر اساس موارد مطرح‌شده در این مقاله، هنوز در نظام حقوقی ایران قانونی جامع برای حریم خصوصی تصویب نشده است و قوانین پراکنده موجود نیز بدون اتکا به مبانی مناسب و تحولاتی

واژه «قذف» در لغت قذف به معنی پرتاب سنگ است. در حدیث هلال بن امیه، او همسرش را به داشتن رفیق متهم کرده است. در اینجا، قذف به معنای نسبت دادن زنا یا مشابه آن به یک زن به کار رفته است. در حقوق اسلامی، قذف به معنای متهم کردن یک مسلمان بالغ، عاقل، آزاد و عقیف به زنا یا لواط است. بر اساس آیه ذکر شده، قذف تحت شرایط خاصی موجب حد می‌شود و مجازات آن هشتاد تازیانه می‌باشد (همان).

۳-۵. اعتبار و احترام حریم خصوصی در معاملات

حریم خصوصی از دیدگاه فقه اسلامی مفهوم بسیار مهمی است که در متون دینی و فقهی به آن توجه ویژه‌ای شده است. این مفهوم شامل جنبه‌های مختلفی است که به احترام و اعتبار حریم خصوصی افراد اشاره دارد، به ویژه در زمینه معاملات تجاری. در زیر به برخی از ویژگی‌های حریم خصوصی در فقه اسلامی و تأکید آن بر اعتبار و احترام حریم خصوصی در امور تجاری پرداخته می‌شود:

الف) حق بر حریم خصوصی: در فقه اسلامی، حریم خصوصی به عنوان یک حق اساسی شناخته می‌شود. این حق شامل حفاظت از اطلاعات شخصی، اسرار خانوادگی و معاملات فردی است.

ب) نفی تجسس: اسلام تأکید زیادی بر جلوگیری از تجسس در امور دیگران دارد. آیه شریفه «وَلَا تَجَسَّسُوا» از عدم تجسس و احترام به حریم خصوصی دیگران حکایت دارد. این اصل در معاملات تجاری نیز مطرح است، به گونه‌ای که افراد نباید به حریم خصوصی و اطلاعات مالی و تجاری یکدیگر تجاوز کنند.

ج) احترام به اسرار تجاری: در فقه اسلامی، اسرار تجاری مانند اسرار شخصی باید محترم شمرده

راه‌حل‌های ترکیبی میان دو دیدگاه نیاز ندارد. اگرچه در اصول فقه، طبق نظر برخی فقها، شهرت می‌تواند به‌عنوان جبران‌کننده ضعف اسناد و دلالت‌ها عمل کند و برخی مانند صاحب جواهر به اجماع در این زمینه اشاره کرده‌اند، اما این امکان وجود دارد که شهرت به استناد دلایل دیگری نادیده گرفته شود. مستند اجماع نیز به روایاتی مربوط می‌شود که مصادیق حریم را مشخص می‌کنند؛ این روایات، به‌واسطه نظریه جدید، جنبه تمثیلی دارند و اعتقاد به آن‌ها فاقد معناست.

حریم بر اساس نظر دوم (قاعده لاضرر) دارای ماهیتی مشکوک است که با توجه به مکان، زمان و عرف‌های گوناگون، تغییر می‌یابد. بر اساس نظریه مشهور، با توجه به ثابت بودن اندازه‌ها، نمی‌توان در حریم تشکیک کرد. مصادیق جدید حریم با استناد به نظر دوم قابل قبول هستند و اگر سایر ارکان و عناصر حریم جمع شوند و تجاوز به آن باعث ضرر شود، آن مصداق به‌واقع حریم محسوب می‌شود و احکام و آثار حریم شامل آن خواهد شد. در اندیشه سیاسی امام خمینی، حاکمیت سیاسی بر اساس اصل ولایت فقیه است که نظر و سهم مردم در ایجاد و استمرار آن انکارناپذیر است. او ولایت فقیه را ادامه ولایت پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) می‌دانست و رویکرد نظری و عملی خود در عرصه حکومت و سیاست را بر محور پاسداشت حقوق شهروندی، مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردمی، عدالت اجتماعی و ظلم‌ستیزی بنا نهاد. بر این اساس، امام خمینی(ره) قبل از تأسیس حکومت دینی، مبانی نظری آن را در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود مطرح کرد و پس از تأسیس حکومت نیز به اجرای آن اندیشه‌ها اهتمام ورزید. از آنجایی که اخلاق اسلامی بر پایه باورها و ارزش‌های اصیل و جهان‌شمول اسلامی است،

که از فناوری ناشی می‌شوند، قادر به حل کامل مشکلات نیستند. به‌ویژه، لایحه حمایت از حریم خصوصی که در تاریخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۶ با شماره ۴۵۵ و در اجلاس ۱۳۰ دوره هفتم مجلس شورای اسلامی ارائه شد و در تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۱۶ مسترد گردید، عناوین و شمول حریم خصوصی را به‌خوبی تبیین کرده است. با بررسی دقیق نظرات سه رویکرد مطرح‌شده در این مقاله، به نظر می‌آید مدل اسلامی که این لایحه بر مبنای آن شکل گرفته و با در نظر گرفتن مفاد فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره)، برای کشور ما مدل مناسبی خواهد بود. در اینجا لازم است یاد و خاطره مرجع عالی‌قدر جهان تشیع، مرحوم آیت‌الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی (ره) و تیم ایشان که گام‌های مؤثری در تدوین قوانین و لایحه حمایت از حریم خصوصی برداشتند، گرامی بداریم.

علاوه بر این، حریم خصوصی در بسیاری از کشورهای دنیا به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفته و به عنوان یک اصل مهم در تمامی ابعاد زندگی انسان‌ها شناخته می‌شود. بنابراین، قوانین و مقررات ایران باید با رویکرد اسلامی و با نظارت غیرقهرآمیز قوه حاکمه، همراه با ضمانت‌های اجرایی مناسب، تصویب شوند. با توجه به تعریف واژه حریم و حکمت‌های مرتبط با آن، مفهوم حریم را می‌توان براساس قاعده لاضرر تبیین کرد که می‌تواند بسیاری از مسائل پیچیده این حوزه را روشن سازد. با پذیرش قاعده لاضرر در رابطه با حریم بر مبنای فقه شیعه، نیاز به اصلاحات اساسی در قوانین مرتبط، به‌ویژه در قانون مدنی، احساس می‌شود؛ از این رو پیشنهاد می‌شود ماده ۱۳۸ قانون مدنی حذف گردد.

در نظریه جدید، نظرات مشهور فقهی به‌کلی نادیده گرفته می‌شوند و پذیرش این نظریه به جستجوی

مشروعیت بخشیدن به تأسیس حکومت و نظام اسلامی به رهبری فقیه و کارشناس اسلامی، دلایل متعددی وجود دارد که یکی از آنها انجام امور حسبیه است.

۷. سهم نویسندگان

تهیه و تدوین پژوهش حاضر بوسیله نویسندگان انجام گرفته است.

۸. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

اخلاق رسانه در یک نظام اسلامی نیز بر همین مبانی استوار است و از نظر زمان و مکان بی‌مرز می‌باشد. اخلاقی‌سازی جامعه، به معنای بازگشت به خویشتن و یابی گمشده‌ای است که بشر امروز، تشنه معنویت، به دنبالش است. راه‌حل بسیاری از مشکلات اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه ما ناشی از فاصله‌گیری از معنویت، اخلاق و ارزش‌های متعالی دینی است و در شرایطی که ارزش‌های اخلاقی با یکدیگر تزاخم می‌کنند، عمل بر اساس معیارها و ضوابط، پاسخگویی و پایبندی به رسالت دینی و اخلاق اسلامی و مسئولیت‌پذیری امری ضروری می‌باشد. در مورد تجسس در کار مردم باید گفت که تجسس در امور شخصی افراد ممنوع و حرام است. همچنین مشخص شد که تجسس در نحوه عملکرد کارکنان دولت، بررسی شکایات مردم و مراقبت از حقوق آنها که توسط کارگزاران دولتی پایمال می‌شود، به معنای تجسس نیست، بلکه مراقبت و بازرسی محسوب می‌گردد. بنابراین، نه تنها این اقدام‌ها مجاز هستند، بلکه به دلیل حفظ عدالت و احقاق حقوق مردم، این وظیفه‌ای است که بر عهده حاکم قرار دارد و انجام آن واجب است. تجسس در امور مربوط به دشمنان داخلی و خارجی نیز بر اساس عقل و شرع ضروری به نظر می‌رسد، اما باید توجه داشت که در این دو مورد نباید به بهانه بازرسی و نظارت به حریم خصوصی افراد تجاوز کرد.

حفظ نظم عمومی جامعه از جمله واجبات شرعی قطعی است و هرج و مرج و تشنج‌آفرینی حرام تلقی می‌شود. همچنین در راه حفظ نظم و سامان‌دهی جامعه، قیام برای جلوگیری از هرج و مرج و تشنج یک واجب کفایی است. اگر فردی برای حفظ نظم و سامان‌دهی جامعه تلاش کند، این وظیفه از دیگران ساقط می‌شود. به همین دلیل، برای

منابع

قرآن کریم.

- ابن جوزی، عبدالرزاق، نواسخ الأذکار و عند من الأشرار، بیروت: دار السلام، بی تا.
- اسعدی، حمید، حقوق امانت و مسئولیت‌های حرفه‌ای، تهران: نشر سمت، ۱۳۹۸.
- انصاری، مرتضی، مکاسب، قم: نشر فخر، ۱۴۱۰.
- جوانبخت، محمدرضا، حقوق جزای اسلامی و اجتماعی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۸.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، رسالت و اخلاق در اسلام، تهران: انتشارات اسراء، ۱۳۹۰.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳.
- متینی، عبدالحسین، کنز العمال، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۹۰.
- مظاهری، آیت‌الله مهدی، فقه و حقوق اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۹۵.
- موسوی اردبیلی، احمد، تحقیقاتی در حقوق خصوصی اسلامی، بی جا: ۱۳۹۰.
- نجاری، علیرضا، فقه اسلامی در مقام عمل، تهران: نشر دارالاندیشه، ۱۳۹۵.
- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرایع الاسلام، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- نوری همدانی، حسین، فقه و سیاست در اسلام، تهران: مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵.



The Validity of Privacy in Commercial Transactions from the Perspective of Islamic Jurisprudence

Taghi Shokri¹, Mohamad Hosseini^{2*}, Hasan Falah³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 131-144

Article history:

Received: 14 Feb 2021

Edition: 25 Mar 2021

Accepted: 03 May 2021

Published online: 22 Jun 2021

Keywords:

Privacy, Jurisprudence, Credibility, Transactions.

Corresponding Author:

Mohamad Hosseini

Address:

Iran, Babol, Islamic Azad University, Faculty of Theology and Islamic Studies, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law.

Orchid Code:

0009-0001-8501-9872

Tel:

09113151939

Email:

hoseini.mohammad22@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Purpose: The issue of respect for privacy in commercial transactions is of particular importance from the perspective of Islamic jurisprudence, because privacy is not only a moral principle but also one of the fundamental pillars of justice and fairness in business. Islamic jurisprudence has always emphasized the protection of the honor and rights of others, and in the context of transactions, respecting the privacy of individuals is considered a religious and social responsibility. The current research has been carried out with the aim of investigating the characteristics of privacy from the perspective of Islam in jurisprudence, with an emphasis on the validity and respect of privacy in business transactions.

Methods: This research is of a theoretical type and has been carried out using a descriptive-analytical method.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: Laws and regulations that can be enacted in Iran should be approved with an Islamic approach and with the limits of non-coercive and non-repressive supervision of the ruling power along with a guarantee of appropriate implementation.

Conclusion: Harim ruling is different in the new theory and the famous theory, and in fact, the mandatory ruling and the status ruling of Harim are easily interpreted on the basis of the harm that is the contrary opinion, while according to the famous theory, only the mandatory ruling of Harim is justified. Accepted in the sense that when someone violated another's sacred space, according to the famous theory, only a forbidden act was committed, but according to the second theory, in addition to that, the aggressor must also compensate the damage caused.

Cite this article as:

Shokri T, Hosseini M, Falah H. *The Validity of Privacy in Commercial Transactions from the Perspective of Islamic Jurisprudence*. 2022.

